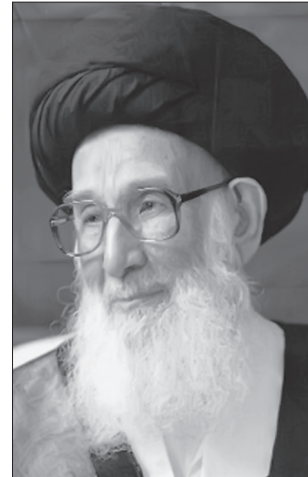


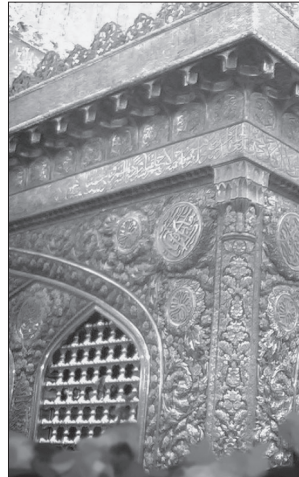


۴ مهر

ولادت آیت الله گلپایگانی

طلبه‌ای جوان بود. روزها به شدت غرق در مباحثه و شب که می‌خوابید، باز در جلسه درس شیخ عبدالکریم حائری‌یزدی نشسته بود و گاهی با دوستانش مباحثه می‌کرد. از خواب که بیدار می‌شد، مباحث به خاطرش بود و بسیاری از اوقات این رؤیاهای صادقه، راهگشایش بود. دوران تحصیلاتش در گلپایگان مصادف با ایام قحطی و فقر در ایران بود. سید محمدرضا گاهی یک روز را تنها با یک بادام سپری می‌کرد؛ اما درس را رها نمی‌کرد. بسیاری از اثاثیه خانه‌اش را فروخت و نان تهیه کرد؛ اما از درس غافل نشد.

بیماری‌اش شدت گرفته بود؛ اما جلسه درس و بحث را در منزلش بر پا کرد و به حاضرین متعجب گفت: «با این که الان چنین مبتلا شده‌ام، درس را شروع کردم تا نصیحتی باشد برای دیگران که به مجرد عذر بیماری یا غیر آن، درس را تعطیل نکنند؛ زیرا امروز جهان بشریت شدیداً نیازمند عالم و مجتهد داناست.»



۷ مهر

ولادت امام رضا (علیه السلام)

جمعی از اصحاب نزد حضرت نشسته بودند و درباره حلال و حرام کارها از او سؤال می‌کردند. وسط‌های بحث بود که مردی وارد اتاق شد. سلام کرد و گفت: «یا بن رسول!...! مردی خراسانی‌ام. از حج برگشته‌ام و به خراسان می‌روم؛ ولی پولم گم شده. چیزی ندارم. مبلغی به من ببخش، به وطنم که رسیدم، آن‌را از سوی شما صدقه می‌دهم.» امام نگاهی به مرد کرد و فرمود: «چند لحظه بنشین!» سپس به ادامه سؤال‌ها پاسخ داد تا این که اصحاب یکی‌یکی رفتند و تنها «یسع بن حمزه» ماند و کسی دیگر. در این هنگام حضرت برخاست. به اندرونی رفت. پس از لحظه‌ای پشت در آمد. دست خود را بیرون آورد و فرمود: «ای خراسانی، بیا این مبلغ را بگیر و در سفر خود خرج کن و لازم نیست از طرف من صدقه بدهی.» مرد با خوشحالی کیسه را از حضرت گرفت. تشکر کرد و از خانه خارج شد. یسع بن حمزه با تعجب پرسید: «شما که به آن مرد احسان کردید؛ چرا از پشت در، دست خود را بیرون آورده و خودتان بیرون نیامدید؟»

حضرت با مهربانی فرمود: «دوست نداشتم دلت و خواری را در چهره او ببینم.»



۱۳ مهر

وفات آیت الله حائری یزدی

هر سال به مسافرتی هر چند کوتاه می‌رفت تا بچه‌ها روحیه‌ای تازه پیدا کنند؛ اما آن سال نرفت. حادثه سیل خردادماه ۱۳۱۳ بدجوری او را به هم ریخت. از مسافرتش صرف‌نظر کرد. از تمام مردم درخواست کمک کرد و خودش نیز تمام وقتش را صرف رسیدگی به آسیب‌دیدگان کرد و گفت: «وقتی خیال‌م راحت و فکرم آسوده می‌شود که بینم این مردم بیچاره دارای خانه و منزل شده‌اند... در دو موقع از شدت ناراحتی خوابم نمی‌برد؛ یکی وقتی که طلبه‌ای نیازمند باشد و من پول برای رفع حاجت او نداشته باشم و دیگری، وقتی که پول در دست داشته باشم و نتوانسته باشم به مورد مصرفش برسانم.» با وجود امکانات کمی که داشت، همیشه به دادن زغال زمستان، پرداخت قرض، تأمین مخارج معالجه و تشکیل خانواده دیگران توجه بسیار داشت و به یتیمان و بی‌سرپرست‌ها رسیدگی بسیار می‌کرد.

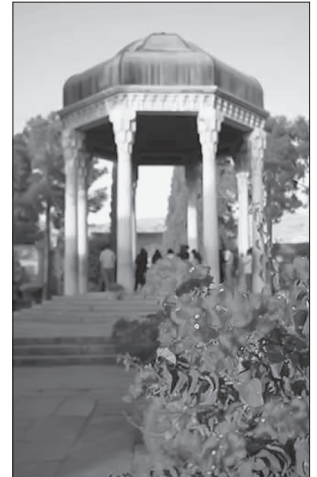


۲۰ مهر (۲۵ ذی‌قعدة)

شب دحوالارض

مرد با پسرش نزد امام رضا (علیه السلام) آمد. حضرت از او پذیرایی کرد و سپس فرمود: «امشب حضرت ابراهیم و حضرت عیسی (علیه السلام) متولد شده‌اند و زمین از زیر کعبه پهن شده، پس هر که روزش را روزه بدارد، چنان است که شصت ماه روزه داشته باشد... در این روز حضرت قائم (علیه السلام) قیام خواهد کرد.» مرد به خاطر این سخنان پر ثمر، از حضرت تشکر کرد و برای انجام اعمال، راهی خانه‌اش شد.





۲۰ مهر

بزرگداشت حافظ

تو بدری و خورشید تو را بنده شدست
تابنده تو شده‌ست، تابنده شده‌ست
زان روی که از شعاع نور رخ تو
خورشید منیر و ماه، تابنده شدست

* هر روز دلم به زیر باری دگر است
در دیده من ز هجر، خاری دگر است
من جهد همی کنم، قضا می‌گوید
بیرون ز کفایت تو، کاری دگر است

* مردی ز کننده در خیبر پرس
اسرار محرم ز خواجه قنبر پرس
گر طالب فیض حق به صدقی، حافظ
سرچشمه آن ز ساقی کوثر پرس

* در این ظلمت سرا تا کی به بوی دوست
بنشینم
گهی انگشت بر دندان، گهی سر بر سر
زانو

* بیا ای طایر دولت بیا ور مژده وصلی
عسی الا یام آن یرجعن قوما کالذی کانوا

* گر همچو من، افتاده این دام شوی
از بس که خراب باده و جام شوی
ما عاشق و رند و مست و عالم سوزیم
با ما منشین اگر نه بدنام شوی

۲۳ مهر

شهادت آیت‌الله اشرافی اصفهانی

خانه‌اش ساده و کوچک و قدیمی بود.
نیاز به تعمیر داشت؛ اما او کاری برای
خانه نمی‌کرد و به کسی حرفی نمی‌زد.
دوستش به خانه‌اش آمده بود. وضعیت
خانه را که دید، ناراحتی در چهره‌اش
نمایان شد. گفت: «اجازه بده، بگویم
بیايند خانه‌ات را تعمیر کنند.»

به آرامی نگاهی کرد و پاسخ داد: «اگر
راست می‌گوئید، بروید خانه فقرا را
تعمیر کنید و همین برای من بس است.
بسیاری از مردم در زیر چادرها آواره
هستند و امام و رهبر من در جماران،
روی موکت زندگی می‌کنند، من چگونه
اجازه بدهم که خانه‌ام را تعمیر و بازسازی
کنند.» دوستش حرفی نزد و به گفته‌های
عطا... فکر کرد. سفره غذا را که آوردند،
غذای کمی خورد و دست از غذا خوردن
کشید. دوستش خواست اعتراض کند
که: «جسم شما ضعیف است و کم
غذایی برای شما ضرر دارد...» اما پیش از
آن که او شکوه کند، آقا گفت: «همین قدر
هم برای ما زیاد است، در حالی که
رزمندگان ما در خط مقدم جبهه‌های حق
علیه باطل، خیلی از اوقات نان خشک
می‌خورند.»

۲۶ مهر

سالروز ازدواج حضرت

علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه (علیها السلام)

عاقبت: خدا
شاهد: رسول خدا
دفتر: لوح محفوظ
مکان: عرش
عروس: کوثر
داماد: حیدر
شرکت‌کننده‌ها: تمام مخلوقات
خداوند
پیام‌های تبریک: از جانب عرشیان و
فرشیان

سفارش‌کننده‌ها: ۱. پیامبر (صلی الله علیه و آله): «هر
جوانی که در سن کم ازدواج کند، شیطان
فریاد برمی‌آورد که: وای بر من، وای بر
من! دو سوم دینش را از دستبرد من،
معصون نگه داشت، پس بنده باید برای
حفظ یک سوم باقی‌مانده دینش، تقوای
الهی پیشه سازد.»

۲. امام صادق (علیه السلام): هر کس از ترس
فقر، ازدواج نکند، نسبت به لطف
خداوند بدگمان شده است، چرا که
خداوند می‌فرماید: اگر آنان فقیر
باشند، خداوند از فضل و کرم خود،
بی‌نیازشان می‌کند.

۳. حضرت علی (علیه السلام) از بهترین
شفاعت‌ها، شفاعت بین دو نفر در امر

ازدواج است تا این که خداوند آنان را
مجنوب یکدیگر گرداند.

۴. امام رضا (علیه السلام) هنگامی که مردی
از شما خواستگاری کرد که از دین و
اخلاق او راضی بودید، به ازدواج با او
رضایت دهید و مبدا فقر او تو را از
این رضایت باز دارد.

۵. امام موسی کاظم (علیه السلام) سه دسته
در روز قیامت، روزی که سایه و پناهی
جز سایه خداوند نیست، در سایه و
پناه خدا هستند: ۱. مردی که زمینه
ازدواج برادر مسلمانش را آماده نماید.
۲. مردی که به برادر مسلمانش
خدمت کند. ۳. کسی که سر برادر
مسلمانش را بپوشاند.

منابع:

۱. امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) بنیاد
پژوهش‌های اسلامی آستان قدس
رضوی، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۲. میزان الحکمه، ج ۴.
۳. بحارالانوار، ج ۷۸.
۴. پایگاه اطلاع‌رسانی حضرت امامزاده
شاهچراغ.
۵. پایگاه اطلاع‌رسانی حضرت آیت‌...
العلیمی گلپایگانی.
۶. تبیان رنجان.
۷. وسائل الشیعه، ج ۲۰.
۸. مرجعیت در عرصه اجتماع، علما و
رژیم رضاشاه و سیاست.